

نگاهی به مثنوی دولرانی خضر خان

سارا زهرابخاری

مرئی، گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آل.سی، بانوان لاهور-پاکستان

دکتر محمد صابر

استاد یار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده خاورشناسی

دانشگاه پنجاب لاهور-پاکستان

چکیده:

امیر خسرو یکی از معروفترین عارف، ادیب، موسیقی دان، تاریخ نگار فارسی زبان شبه قاره بوده و آثار گرانبها در زبان و ادب فارسی گذاشته است. از آنان یکی مثنوی تاریخی دولرانی خضر خان است. این داستان عشقیه درباره عشق و محبت شاهزاده خضر خان و دولرانی است. خسرو این قصه را با چشم خود دیده و حالات و واقعات این قصه به او از خضر خان معلوم شد. وی در این مثنوی نه فقط عشق و عاشقی و واردات قلبی را بیان کرده بلکه واقعات تاریخی را نیز مطرح کرده است.

واژه های کلیدی: امیر خسرو، داستان، دولرانی، خضر خان، عشق و محبت

و تاریخ

امیر سیف الدین ابوالحسن خسرو دهلوی یکی از معروفترین عارف، ادیب، موسیقی دان، تاریخ نگار فارسی زبان نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری شبه قاره بوده و از صوفیان پرآوازه طریقت چشتیه بود، شهرت وی به امیر خسرو و معروف به طوطی هند است (برزگر، ۱۳۷۲ش: صص ۲۷۲، ۲۷۳). اصل وی ترك و از قبیله لاجین در نواحی قرشی بلخ بود (زرین کوب، ۱۳۷۴ش: ص ۲۶۲). پدرش سیف الدین محمود از امرای قبیله لاجین بود. وی در سال ۶۷۱ ق بطور رسمی در حلقه ارادت حضرت نظام الدین اولیاء در آمد و تا پایان زندگی مرید و واله آن پیر بود. (فرشته، ۱۹۹۸م: ص ۴۰۲) وقتی خواجه نظام الدین اولیاء از دنیای فانی رحلت کرد، امیر خسرو با غیاث الدین تغلق در بنگال بود و با شنیدن این خبر ناخوش فوری به دهلی برگشت و در مدت شش ماه پس از وصال مرشد خویش ۱۸ شوال روز چهارشنبه ۷۲۵ق به ملك بقا شتافت (جعفری، ۲۰۰۹م: ص ۷۷) و زیر پای مبارك حضرت نظام الدین اولیاء او را مدفون کردند.

وی آثار منظوم و منشور در فارسی زبان زیاد گذاشته است. از آنان پنج دیوان، پنج مثنوی به پیروی خمسه نظامی و پنج مثنوی تاریخی و چند اثر نثری به یادگار گذاشته است. از مثنوی های تاریخی وی یکی مثنوی دولرانی خضر خان است.

مثنوی دولرانی خضر خان به نام عشقیه نیز شهرت دارد و این را "منشور شاهی" و "خضر نامه" هم می گویند. شاعر درباره این چنین می گوید:

بـحمد الله کـه از عـون آلهی

بـه پایـان آمـد این منشـور شاهی

(امیر خسرو، ۱۹۸۸م: ص ۳۰۵)

این مثنوی در سال ۷۱۵ ق به پایان رسید. خسرو این مثنوی را در چهار ماه و چند روز به انجام رساند (وحید مرزا، ۲۰۰۵ م: ص ۱۸۹). خضر خان پسر بزرگ سلطان علاؤ الدین خلجی بود. این مثنوی مشتمل بر داستان عشق شاهزاده خضر خان و دولرانی، دختر راجه کرن والی گجرات است. خسرو این مثنوی را آن زمان آغاز کرده بود که نظر التفات سلطان علاؤ الدین خلجی به پسر خویش خضر خان باقی بود. بقول خسرو، شاهزاده خضر خان این داستان عشق خود برای دول رانی نوشت و به او سپرد (مرزا، ۲۰۰۵ م: ص ۲۴). شاهزاده در آن بیشتر واژه ها و جمله های هندی نیز بکار برده بود. خسرو این مثنوی را در عهد غیاث الدین تغلق یا کمی بعد به پایان رسانید، آن وقت خضر خان کور شده بود و بعد از آن قتل شد (همو، ۲۰۰۵ م: ص ۲۴). مثنوی دولرانی خضر خان در حیات خضر خان به انجام رسید. خسرو با خضر خان خیلی عقیدت و ارادت داشت و بزرگترین سبب تالیف عشق وی این نیز بود که هر دو مرید خواجه نظام الدین اولیاء بودند. (خورجوی، بی تا صص ۱۳۳، ۱۳۴) شاهزاده به خسرو فرمایش کرد که داستان را به صورت نظم به وجود آورد. (همو، بی تا: ص ۱۳۴)

خسرو در این مثنوی ذکر کرده است که وقتی دول رانی به مادر خویش کملا دی بی رسید، عمرش هشت ساله بود. پادشاه می خواست که پسر بزرگ خود خضر خان با این دختر دولرانی ازدواج کند. کملا دی بی آن وقت در حرم پادشاه موجود بود. این فیصله را قبول کرد ولی مادر خضر خان می خواست که ازدواج پسرش با دختر برادر خود "الپ خان" کند (مرزا، ۲۰۰۵ م: ص ۳۲۷) در ایام طفولیت و نو عمری شاهزاده و دولرانی باهم

۹۸ سارا زهرا بخاری، دکتر محمد صابر / نگاهی به مثنوی دولرانی خضر خان

بازی می کردند. این قرب ایشان به جذبه محبت تبدیل شد و محبت هر دو به اوج کمال

رسید، خسرو درباره آغاز عشق چنین می نویسد:

چه خوش باشد در آغاز جوانی

دو بیدل را بهم سودای جانی

گه از ابرو بیان راز کردن

گه از مژگان عتاب آغاز کردن

(امیر خسرو، ۱۹۸۸م: ص ۹۱)

مادر خضر خان با کمک شاه هر دو را جدا کرد و دولرانی را در يك کاخ جدا

اسیر کرد، اما سلسله نامه ها و پیام ها میان ایشان جاری بود.

خضر خان و دول رانی درین کار

دو دل بودند يك دیگر گرفتار

(همو، ۱۹۸۸م: ص ۹۲)

به سبب عشق حالت شاهزاده روز بروز بدترین شد. بنا برین پادشاه ازدواج خضر

خان با دول دیوی کرد. بعد از آن پادشاه با خضر خان ناراحت شد و او را از دیت ها داد.

دول دیوی در این همه مصیبت ها همراه شوهرش بود. (احمد، ۱۹۷۶م: ص ۲۲۷). وقتی

شاهزاده خضر خان به حکم قطب الدین مبارک شاه در گوالیار قتل شد. آن وقت دول رانی

همراه شوهر خود بود (خورجوی، بی تا: ص ۱۳۵). وی نیز همانجا قتل شد و با شوهر

خود مدفون گردید.

محمد نقی خان خورجوی در کتاب خود "حیات خسرو" مدت تالیف این مثنوی چهار ماه و پانزده روز نوشته است، اسلوب نگارش این مثنوی مثل مثنوی های دیگر خسرو است و با مثنوی قران السعدین خیلی مشابه است. (مرزا، ۲۰۰۵م: ص ۱۸۹) این داستان امتیازی دارد. اول این که داستان مشتمل بر قصه روایتی و قدیم نیست و مؤلف این قصه را با چشم خود دیده است. دوم این که همه حالات و واقعات این قصه از تحریر خضر خان آگاه بود. خسرو این قصه را با جاذب نظری، دل انگیزی، معجز بیانی، دلکشی، ناز و نیاز عاشقانه و معشوقانه بیان کرده است:

نه بد چون عشق در بازی مجازی
شد آن بازی در آخر عشق بازی

(امیر خسرو، ۱۹۸۸م: ص ۹۴)

خسرو در این مثنوی فقط عشق و عاشقی و واردات قلبی را بیان نکرده است. بلکه واقعات تاریخی آن زمان نیز مطرح کرده است. بنا برین این مثنوی در زمره مثنویهای تاریخی او به شمار می رود.

خسرو این مثنوی را با "حمد" آغاز کرده است:

سرِ نامه بنام آن خداوند
که دلها را به خوبان داد پیوند

(همو، ۱۹۸۸م: ص ۱)

و بعد از آن موضوعات مناجات و نعت بیان کرده است:

گرامی نازنین حضرت پاک
کز و ناز ندهم انجم هم افلاک

(امیر خسرو، ۱۹۸۸م: ص ۸)

بعد از حمد و نعت و مناجات تقریباً شصت و دو موضوع دیگر در این مثنوی ذکر شده

۱۰۰ سارا زهرا بخاری، دکتر محمد صابر/نگاهی به مثنوی دولرانی خضر خان

است. نسخه خطی قدیمی این مثنوی در کتابخانه "جے پور" (اندیا) نگاهداری می شود و این مثنوی در سال ۱۹۸۸م از گروه تاریخ دانشگاه مسلم علیگره به چاپ رسیده است. خسرو عشقیه را در زندگی خضرخان مکمل کرده بود ولی آن واقعات که بعداً در زندگیش پیش آمده بود. مثلاً کور شدن و نظر بند شدن و قتل شدن خضر خان هم در این مثنوی اضافه کرده است:

کسی کز زخم یارانیش فتد موی
به زخم تیر باران کی نهد روی
بساعاشق کیش آمدان برفرق
کز انباران خون خندید چون برق

(همو، ۱۹۸۸م: ص ۲۷۱)

غالباً این اضافه بعد از مرگ مبارك شاه کرده است. زیرا خسرو در این مثنوی واژه "بی مهر" زیاد به کار برده است که آن در زندگی پادشاه ممکن نبود. در حقیقت بخش اصلی مثنوی با ازدواج خضر خان و دول رانی تمام می شود:

چه خوش باشد که یابد تشنه دیر
به گرمای بیابان شربتی سیر
حلاوت گیرد از شیرینتش کام
مگر آسودگی یابد ز آشام

(امیر خسرو، ۱۹۸۸م: ص ۲۱۶)

این بخش تقریباً ۴۲۰ بیت دارد و در ذوالقعد ۷۱۵هـ تمام شد، اما بعداً ۳۱۹ بیت اضافه شد. همین طور تعداد اشعار این عشقیه ۴۳۱۹ می شود. (مرزا، ۲۰۰۵م: ص ۱۹۱) آخرین بخش مثنوی پند و نصایح دارد که در آن پسر خویش "عین الدین مبارك" را مخاطب کرده است:

ایا چشم و چراغ دیده من
رخت بستان و باغ دیده من
مبارك نام تو ز ایزد تبارك
چو نامت بر پدر گشته مبارك

(امیر خسرو، ۱۹۸۸م: ص ۲۹۲)

هنر و اندیشه این مثنوی خیلی جالب و عالی است که اندیشه شاعر در این عشقیه دیده می شود. مثنوی خضر خان شاهکار صنایع بدایع و معنی و بیان است. بیان عشق و واردات قلبی در این زیاد به نظر می آید. تشبیهات، استعارات، کنایه، تضاد، مراعات النظیر و تلمیحات زیاد در این مثنوی دیده می شود.

همین طور اندیشه شاعر خیلی جالب است و در این جذبات غم، هجر، یاس، وصال، شادی، رنج، جذبات نگاری، منظر کشی و غیره بسیار دیده می شود. الغرض این از لحاظ هنر و اندیشه واقعاً خیلی عالی و جالب است که در تاریخ نظیر ندارد و حقیقتاً بی مثال است.

یاد داشت ها و کتابشناسی منابع:

- احمد، شیخ سلیم، (۱۹۷۶م)، امیر خسرو، اداره ادبیات، دلی
- امیر خسرو، (۱۹۸۸م)، دولرانی خضر خان، اداره ادبیات، دلی
- برزگر، (۱۳۷۲ش)، دانشنامه ادب فارسی، سازمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
- جعفری، ریاض، (۲۰۰۹م)، طوطی هند امیر خسرو، سیونته سکائی پبلیکیشنز،

لاهور

۱۰۲ سارا زهرا بخاری، دکتر محمد صابر/نگاهی به مثنوی دولرانی خضر خان

- خورجوی، محمدنقی خان، (بی تا)، حیات امیر خسرو، غلام علی ایند سنز
پبلیکیشنز، لاهور
 - زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۴ ش)، باکاروان حله، علمی، تهران
 - فرشته، محمد قاسم، (۱۹۹۸ م)، تاریخ فرشته، دوست ایسوسی ایشن، لاهور
 - مرزا، وحید، (۲۰۰۵ م)، سوانح عمری امیر خسرو، بک هوم، لاهور
-